



آموزش نابینایان و سائل - اطاق کار

پدیدآورده (ها) : دانشی، حسین؛ باربر
علوم تربیتی :: آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) :: فروردین و اردیبهشت 1340 - شماره 31 و 32
از 65 تا 69
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/829683>

دانلود شده توسط : عمومی user2314
تاریخ دانلود : 15/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



آموزش نابینایان

وسائل - اطاق کار

سپتامبر ۱۹۵۷ میلادی است مادرهای نونهالان مشغول آماده کردن فرزندان شان برای نام نویسی ، در نزدیکترین مدارس ابتدائی، میباشند .

مادر «دیان» مثل سایر مادرها وسائل کار او را آماده میکنند و عازم حرکت میشود پس از طی ۱۵۰ میل فرزند خود «دیان» را یکی از مدارس نابینایان می سپارد سپس با چشم اشکبار در حالیکه «دیان» را با اولیاء مدرسه تحویل می دهد بآنها می گوید «مامیل داریم که دیان با ما بسر برد ولی متأسفانه مدارس کنونی مافعلا جائی برای او ندارد چون مسأله قابل اهمیت برای او فعلا تربیت یافتن و دانش اندوختن است لذا او را تحت اختیار شما می گذاریم و آرزو مندیم که در آتیه قادر خواهیم شد تا او را در منزل تربیت کنیم و یا در مدارس محلی تعلیم دهیم .

اکنون سپتامبر ۱۹۵۸ میلادیست مادر «دیان» مثل سال قبل دوباره مشغول آماده کردن فرزندش برای نام نویسی است اما امسال بجای آنکه این مادر از مدرسه ای در «۱۵۰» میلی منزل خود استفاده کند کافی است چند خیابان راطی کند و فرزند خود را در مدرسه ابتدائی در شهر پنسیلوانیا نام نویسد .

هنوز یکسال از مدرسه رفتن «دیان» نگذشته که تغییرات عمده‌ای در دنیا «دیان» و بینش والدینش بوجود آمده است. البته فقط در ظرف یکسال مشکل آنها حل نشده بلکه حل آن بستگی به چندسال پیش دارد زیرا در این اوقات بود که منشور تعلیماتی مهمی صادر شد مبنی بر اینکه هر شاگردی با هر ناراحتی موجود در خود باید از تعلیمات روزمره بهره‌ور شود و بر اثر آن نقشه وسیعی در تحت نظارت اداره تعلیمات مخصوص شهر Erie طرح گردید. صدور این منشور موجب تقویت دستگاه اداری آموزشگاهها شد و بر اثر آن قدم دومی در این زمینه برای تربیت معلمان بجهت آموزش نایبانیان برداشته شد. بالنتیجه تعدادی از معلمان برای اخذ مطالبی چند درین مورد بدانگاه سیرا کوز اعزام شدند و در آنجا بیسط معلومات خود درین زمینه پرداختند.

قدم سوم: در سال ۱۹۵۸ برداشته شد در این سال مدرسه مقدماتی برای این بر نامه ساخته شد چه ما حس کردیم وجود مدارس نوبت تشکیلات مربوط بآنها خود موجب پیدایش مسائل چندی میشود که البته بر نامه ما را در بدو شروع دقیق تر و عمیق ترمی کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری اطاق کاری

قدم چهارم تشکیل اطاق کاری بود که در آن اطاق وسایل لازم برای آموزش نایبانیان باید موجود باشد تا در آنجا بر اهنمایی معلمین خاص تعلیمات مخصوص داده شود. این اطاق در حقیقت چون قطبی بود که از آن قطب پر تو بتمام فعالیتهای دانش آموزان کورا نداخته میشد لذا لازم و اساسی این می نمود که تمام وسایل لازم در آنجا فراهم آید. بنابراین لوحه‌های مخصوص کوران- کتب گویا- تخته‌های خاص- سوزنهای مخصوص تعلیم کوران و اشکال و وسائل مصور دیگر با اثاث البیت دیگر فراهم گردید. در اینجا نا گفته نماند که شاگردان اولی ما «دیان» «داوید» و «دنیس» بودند یعنی سه شاگردی که ما آنها را سه‌دال می نامیم. این «سه‌دال» کورهای مادرزادی بودند و از آنجا که انگشتان بجای چشمان در آموزش نایبانیان بکار میرود ایشان می بایست در ضمن لمسهای خود اشیائی که در ضمن حکایات گفته میشد دریا بند و ادراك کنند. در اطاق کار می بایست بداستانهای روایت شده بوسیله نوارهایی که از آن کتب گویاست گوش فرادهند و

بالاخره الفباء را از روی وضع نقاط وعده‌ای صوردریابند .

برنامه

شاگردان در بدو کار وقت زیادی در اطاق کار می گذرانند تا بتوانند خود را با وضع مدرسه و آشنایی بالوحه‌های مخصوص و اثاث و گوش فرادادن و خواندن و سایر مطالب دیگر تطبیق دهند . چون یکی ازین شاگردان خود را بساختمان وزمین‌های ورزش میرساند می بایست در اطراف ساختمان وزمینهای مدرسه باستقلال حرکت کند چون سال تحصیلی پیش میرفت و او در تطبیق شخص بالوحه‌ها و یا نوشتن و خواندن بیشتر مستقل میشد زمان توقعش در اطاق کار زیادتر میگشت .

کار مدرسه هر روز چنین آغاز میشد : دیان - داوید - دنیس با اتوبوس بمدرسه میرفتند و یکسره در اطاق کار قرار می گرفتند و معلم مخصوص یکساعت با آنها می گذراند و لوحه‌های خاص ملاحظه میشد بعد بآموزش لوحه‌های نومی پرداختند البته آموزش در ضمن بیان داستانهایی بعمل می آمد . چون این مرحله پیاپیان میرسید کمی بعد ایشان برای فرا گرفتن درس حساب از اطاق کار بکلاس مخصوص برده میشدند و درس حساب تعلیم داده میشد .

درس هجی کردن با حروف مخصوص بر روی لوحه‌ها، برنامه کلاس دوم دیان - داوید - دنیس بود و ابتداء لازم می نمود که معلم صبر کند تا شاگردان در تهجی حروف پیشرفت کنند و چون طفل قدرتی در تخصص حروف و لوحه‌ها پیدا می کرد ، وقت لازم بجهت استعمال لوحه‌ها و نوشتن کمتر میشد و صرفه جوئی در وقت بیشتر می گشت . یکی از مطالب قابل ملاحظه فرق بین معلم مخصوص اطاق کار با معلم کلاسهای معمولی است چه معلم مخصوص اطاقکار می بایست مدیر همه اعمال باشد، او را تنها با لوحه‌ها سرو کاری نیست بلکه او همه کارهای اطاق درس معمولی را باید بصورت نگارش بالوحه‌ها تبدیل کند و سپس با ترقی و پیشرفت شاگردان در خواندن لوحه‌ها باید کار معلم کلاسهای معمولی را با تغییرات و تصحیحاتی انجام دهد .

چون بمعلم کلاسهای معمولی بگوئیم که شما می بایست در کلاسهای خود شاگردان کوری بپذیرید آنها را آنچنان ناراحتی دست میدهد که قابل بیان نیست

ولی خوشبختانه فعلاً آموخته‌اند که درسهای خود را چگونه با روشنی و صراحتی بحث کنند که شاگردان کور نیز استفاده بر نند. البته وجود کنفرانسهای زیادی درین زمینه بین معلمان کلاسهای معمولی و معلمان اطاق کار لازم است تا نحوه آموزش شاگردان بطور کلی معین شود.

معلمان دروس خصوصی

مسأله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که ببینیم چگونه این شاگردان را با استفاده از هنرها و موسیقی و پرورشهای بدنی غنی کنیم. برنامه هنری بوسیله حس لامسه بعمل می‌آید و درین برنامه شکل بندی بمواد خمیری مهمترین کار است.

اشکال بوسیله اشیاء مختلف آموخته میشود چون مثلثها، قوطیها، موسیقی بازننگها و دستگاہهای ضبط اصوات و همچنین آموزش فلوت و نواختن پیانو بوسیله معلمان مخصوص بعمل می‌آید. تربیت بدنی البته آموزش آسانتر است و غالباً فردی و یادگر و گروههای کوچک بعمل می‌آید.

کمک‌های متقابل خانواده

در ظرف ده سال اخیر والدین اطفال مریض در کارهای متقابل و کمک با آموزشگاهها در برنامه‌های اضافی ترقی شایانی کرده‌اند. بطور کلی شاگردان معمولی وقتی پیشرفت می‌کنند که همواره جریان تربیتی بین مدارس و خانه مستمر و مداوم باشد. درباره شاگردان مریض این ارتباط بایستی بیشتر و عمیق‌تر گردد. شاگردان کور باید در استفاده از لوحه‌ها - الفباهای نمونه و برجسته و روشهای مورد استعمال بوسیله معلمان با پیشرفت آنها پیشرفت کنند.

کارهای خارج از برنامه

از وظایف فوق‌العاده در اغلب مدارس که بچه‌های کور در آنجا متمرکزند ایاب و ذهاب و ساعات ناهار خوری است. این شاگردانرا چنین مقرر است که با اتوبوس از منزل بمدرسه آیند البته اگر شاگردان کور در کلاسهای باشند که شاگردان غیر کور نیز در آنجا می‌باشند شاگردان سالم مجبورند باشاگردان ناقص

حرکت کنند و خیلی از مسائل عادی درباره غذاخوری بوسیله همین همشاگردیهای سالم حل میشود چه بوسیله آنها آموخته میشود که چگونه از ظرفهای مخصوص آب بخورند یا ساندویچها را چگونه مورد استفاده قرار دهند و امثال آن و در صورتیکه کلاسها شاگردان معمولی را نداشت اینگونه پیشرفت‌ها بعمل نمی‌آمد.

نظر معلم

اگر از معلمی سؤال شود که بر نامه نتیجه‌اش رضایت بخش است؟ البته جوابش جوابی است شبیه با آنچه یکی از معلمین گفته است بدین شکل:

« وقتی که بمامی گفتند باید برای تعلیم کوران مبارزه کنید ما را عقیده برین بود که اولیاء قصد فروش ما را دارند بعدها دیدیم که حق با گویندگان بود. ما آموختیم که درسهای خود را بچه صورت روشن و طرق مختلف بیان کنیم تا شاگردان کور نیز استفاده برند و ناراحت نشوند البته سایر شاگردان سالم نیز ازین مساعی ما برای کوران لذت می‌بردند و کارها مورد موافقت آنها نیز واقع شد.

نظر اداری

مادر قسمتهای اداری آنقدر خوشحالیم وقتی که می‌بینیم معلمین و شاگردان و پدران در این امر در حال پیشرفت هستند.

ما وقتی که در سال ۱۹۵۸ «داوید» و «دنیس» چون «دیان» در سال ۱۹۵۷ مجبور بترك زادگاه خود نشدند و همچنین از اینک که در آتیه فرزندان کور، خانه خود را ترك نمیکنند و در محیط خود تعلیم و تربیت می‌یابند لذت می‌بریم. البته اولیای خانواده هم نباید ازین ناراحت شوند که عمل مستمر بمدرسه رفتن و برگشتن با هزاران مشکل همراه است. بالاخره از همه بیشتر خوشحالیم وقتی «دیان» - «داوید» و «دنیس» را شاد کام و موفق چون سایر شاگردان سالم می‌بینیم که برای بهبود آتیه تقلا می‌کنند.